

حرم نجف اشرف و خاکسپاری امیر مؤمنان علیه السلام

محمود مهدی پور



حریم مولا

نجف از دیدگاه تاریخی، تداوم و گسترش یافته «کوفه» است. از این رو، بررسی تاریخ نجف، بدون گذر از کوفه، مقدور نیست. در روایات اهل بیت علیهم السلام جایگاه کوفه و به ویژه قداست مسجد کوفه، از مطالب قطعی و مورد قبول عموم راویان حدیث است.

حرم نجف و خاکسپاری امیر مؤمنان علیه السلام
پیش شماره اول - تابستان ۱۳۸۸

زیارت

۱۳۳

۱. امام صادق علیه السلام فرمود: در آیه شریفه:

و آویناهما الی ربوة ذات قرار و معین؛ منظور از «ربوة»، نجف و کوفه و منظور از معین، رود فرات است.^۱

آن روزها که امیرالمؤمنین علیه السلام در کوفه اقامت داشت، بارها به همین حدود نجف می آمد و چنین می فرمود:

وادی السلام و مجمع ارواح المؤمنین و نعم المضعج للمومن هذا المكان؛ این جا سرزمین سلامت و پایگاه اجتماع ارواح مؤمنان است و برای مؤمن، آرامگاهی نیکوست. همچنین می فرمود:

اللهم اجعل قبری بها؛ خدایا! قبر مرا در این جایگاه قرار ده.^۲

شهادت امام

سخن گفتن از مزار و مرقد خورشید، کاری آسان نیست. نوزدهم رمضان سال چهارم هجرت، پیشوای پارسایان در محراب مسجد کوفه ضربت خورد و سه روز بعد، روح بلندش به ملکوت اعلا پرگشود و تن خاکی او در تپه های بیرون شهر کوفه، با فاصله حدود ده کیلومتر، به خاک سپرده شد. آن روز منطقه دفن امام علیه السلام را «ظهر الکوفه» و غری^۲ می گفتند. پیکر امیرالمؤمنین علیه السلام پنهانی و مخفیانه در جایگاه کنونی، در دل شب دفن شد و غیر از گروهی اندک از فرزندان و نزدیکان آن بزرگوار، کسی از جایگاه قبر مولا و مغرب آفتاب عدالت، خبر نداشت.

امام حسن و امام حسین علیه السلام، محمد حنفیه، عبدالله بن جعفر، داماد آن بزرگوار و برخی دیگر از فرزندان امام، همچون جعفر، عباس، عون و یحیی، در مراسم دفن مولا حضور داشتند. صعصعة بن صوحان عبدی از یاران نزدیک امام نیز، در این مراسم شرکت داشت.

پنهان ماندن محل دفن

از امام صادق علیه السلام نقل شده که امیرالمؤمنین علیه السلام به امام حسن علیه السلام فرمود:

برای من چهار قبر در چهار موضع، حفر کن، یکی در مسجد کوفه، دوم در رجه،

سوم در نجف و چهارم در خانه جعدة بن هبيرة مخزولی؛ تا کسی از جایگاه اصلی قبر من آگاه نشود.

راز پنهان کردن محل دفن مولا آن بود که امام علی علیه السلام دو گروه دشمن کینه توز و بی فرهنگ داشت؛ گروه اول، خوارج نهروان بودند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خود آن حضرت، آنان را «مارقین» می نامیدند.

اینان دارای تعصبی ناروا، تقدسی بدون آگاهی و فاقد فهم درست از دین الهی بودند و همین آمیزه جهل و غرور، دنیا و آخرت آنان را به تباهی کشاند و امیرالمؤمنین علیه السلام سرانجام به دست اینان شهید شد.

گروه دوم، قاسطین، یعنی معاویه و امویان بودند که به تعبیر شهید مطهری:
روح آنان، روح سیاست و تقلب و نفاق بود. آنها می کوشیدند تا زمام حکومت را در دست گیرند و بنیان حکومت و زمامداری علی علیه السلام را در هم ریزند.^۴



تصویر هوایی از نجف اشرف قدیم

این گروه در ایجاد و گسترش و تحریک گروه اول، نقش اساسی داشتند. دشمنی معاویه و طرفدارانش ریشه‌های عقیدتی، سیاسی و تاریخی داشت. تفکر دنیاگرایی امویان و اندیشه الهی و آخرت‌گرای علوی، در طول تاریخ، با هم ناسازگار بودند و هواداران معاویه سال‌های سال امیرالمؤمنین علیه السلام و یارانش را مورد هجوم تبلیغی و سب و لعن و نفرین قرار دادند و از امام و یارانش، چهره‌ای منفور و بیرحم در ذهن جامعه اسلامی ترسیم کردند و در قتل و غارت و آزار پیروان علی علیه السلام از هیچ کوششی کوتاهی نکردند.

قاسطین و مارقین اگر بر بدن مولا سلطه می‌یافتند، آن را مورد اهانت و هتک حرمت قرار می‌دادند و شاید بی‌گناهان فراوانی در پی این اهانت، کشته می‌شدند. از این رو، مزار و مدفن امیرالمؤمنین علیه السلام تا عصر امام صادق علیه السلام و زمان حکومت هارون، پنهان و

وقتی پیکر مطهر از برابر میل معروف غرّی عبور کرد، این بنای قدیمی که علم‌نامیده می‌شد، به احترام پیکر مطهر مولا، خم شد؛ همان‌طور که تخت ابرهه در برابر عبدالمطلب سر خم کرد. امروز در جایگاه این میل معروف، مسجد حنانه قرار دارد که حدود سه هزار ذرع (سه کیلومتر) از شرق نجف فاصله دارد.

ناشناخته باقی ماند؛ گرچه امامان و فرزندان ایشان، کم و بیش جایگاه قبر را می‌شناختند و به زیارت آن بزرگوار می‌رفتند. ابو حمزه ثمالی به همراه زید بن علی بن الحسین، قبل از سال ۱۲۱ق. در شب نیمه شعبان، به زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام رفت و زید در منطقه «ذکوات بیض»، جایی رابه او نشان داد و گفت: این، قبر امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب علیه السلام است.^۵

خاکسپاری امام

پس از شهادت، پیکر مطهر مولا، با حنوط بهشتی که جبرئیل آورده بود، خوشبو شد؛ حنوطی که بوی خوش آن در آفاق شهر کوفه پیچید. پیکر مولا در پنج جامه کفن

شد و در تابوت قرار گرفت و طبق وصیت آن حضرت، عقب تابوت را دو فرزندش امام حسن و امام حسین علیهما السلام گرفتند و از زمین بلند کردند و دو فرشته عالی مقام الهی، میکایل و جبرائیل، جلو سریر مولا را حمل می کردند و به سرعت به سوی جایگاهی که «ظهر کوفه» نامیده می شد، حرکت کردند.

برخی مردم خواستند، جنازه امیرالمؤمنین علیه السلام را تشیع کنند که امام حسن علیه السلام آنان را باز گرداند.

امام حسین علیه السلام همواره می گریست و ذکر شریف «لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم» را تکرار می کرد و می فرمود: «ای پدر بزرگوار! پشت ما را شکستی؛ گریه را برای تو آموخته ایم».

محمد بن حنفیه می گوید: به خدا سوگند! من شاهد بودم که جنازه مولا بر هر در و دیوار و ساختمان و درختی که عبور می کرد آنها خم می شدند و در برابر جنازه، کرنش می کردند.

در کتاب امالی شیخ طوسی قدس سره چنین آمده است:

وقتی جنازه از برابر میل معروف غری عبور کرد، این بنای قدیمی که عَلم نامیده می شد، به احترام پیکر مطهر مولا، خم شد؛ همان طور که تخت ابرهه در برابر عبدالمطلب سر خم کرد.

امروز در جایگاه این میل معروف، مسجد خانه قرار دارد که حدود سه هزار ذرع (سه کیلومتر) از شرق نجف فاصله دارد.

این مسجد، امروز یادآور خاطره عبور حزن آلود جنازه خورشید نجف و فرزندان غم زده او در شب بیست و سوم رمضان سال چهلم هجری است.

وقتی پیکر مولا به جایگاه دفن رسید، جلو تابوت بر زمین قرار گرفت و امام حسن علیه السلام و همراهان، بر پیکر پدر نماز خواندند و هفت تکبیر گفتند؛ سپس همان جا را که جنازه بر زمین فرود آمد، کردند؛ قبری ساخته و لحدی آماده، نمایان شد و تخته ای در درون قبر نمودار شد که با خط سریانی، دوسطر بر آن نوشته شده بود که ترجمه عربی آن عبارت، چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم

هذا ما حفره نوح النبي لعلی وصی محمد ﷺ قبل الطوفان بِسَبْعِ مائَةِ عام؛ این قبری است که هفت صد سال قبل از طوفان نوح پیامبر برای علی، وصی محمد ﷺ حفر کرده است.^۶

در برخی روایات آمده که بر لوح کشف شده در جایگاه دفن مولا، این چنین نوشته شده بود:

این قبر را نوح پیغمبر برای بنده شایسته و طاهر و مطهر، آماده کرده است.^۷

شیخ صدوق در این باره چنین نوشته است:

صفوان بن مهران جمال درباره امام صادق (ع) می گوید:

آن حضرت از قادسیه حرکت کرد تا به بلندی‌های نجف رسید. من با آن حضرت بودم که فرمود:

نجف همان کوهی است که پسر جدم نوح (ع) وقتی گفت:

سأوی الی جبل یعصمنی من الماء، به آن پناه برد و خداوند عزوجل بر او وحی کرد که آیا تو در برابر من کسی را پناه می‌دهی؟ پس این کوه به زمین فرو رفت و قطعاتی از آن تا منطقه شام پراکنده شدند؛ سپس حضرت فرمود: از سمت دیگر برو و من راه را کج کردم و ادامه داد تا به «غرّی» رسید و بعد توقف کرد و سلام بر پیامبران را از آدم آغاز کرد و بر هر کدام از پیامبران (ع) سلام می‌کرد، من هم سلام‌ها را تکرار می‌کردم؛ تا به سلام بر پیغمبر گرامی اسلام رسید؛ سپس حضرت خود را بر قبر افکند و سلام داد و صدای ناله‌اش بلند شد؛ سپس برخاست و چهار رکعت (و در برخی روایات شش رکعت) نماز گزارد و من هم با امام نماز خواندم و به حضرت گفتم: یابن رسول الله! این قبر کیست؟ فرمود: این قبر جدم، علی بن ابی طالب (ع) است.^۸



نجف اشرف قدیم و دیوار پیرامون آن

عزاداری صعصعه

وقتی در دل شب، کار دفن مولا علیه السلام پایان یافت، صعصعه بن صوحان بر بالای قبر ایستاد و مشتی از خاک برداشت و بر سرخویش ریخت و چنین گفت:

پدر و مادرم به فدایت یا امیرالمؤمنین!

کرامت‌های خدا گوارایت ای ابالحسن!

میلادت پاک بود و صبوریت فراوان؛ جهادت عظیم بود و به آن چه آرزوی داشتی، رسیدی؛ تجارتی پر سود کردی و به نزد پروردگار خویش رفتی... .

در این جا صعصعه به شدت گریست و همه را گریان کرد.^۱

حاضران مراسم دفن امیرالمؤمنین علیه السلام پس از شنیدن گفتار صعصعه، فرزندان حضرت را دلداری دادند و تسلیت گفتند و به کوفه باز گشتند.

پس از خاکسپاری

صبح گاه آن روز، برای آن که جایگاه دفن مولا معلوم نباشد، خاندان حضرت و فرزندان آن بزرگوار، تابوتی از خانه حضرت بیرون آوردند و در بیرون کوفه با امام حسن علیه السلام بر آن نماز گزاردند و تابوت را بر شتری بستند و آن را به سوی مدینه اعزام کردند.^۱

امیر المؤمنین علیه السلام اراضی بین کوفه و نجف تا حیره را از دهقانان آن حدود به چهل هزار درهم خریداری کرد و گروهی را بر این معامله شاهد گرفت.

از امام محمد باقر علیه السلام، چنین نقل شده است:

پیکر امیر المؤمنین علیه السلام پیش از طلوع صبح در ناحیه غریبین به خاک سپرده شد و چهار نفر وارد قبر آن حضرت شدند؛ امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام، محمد بن حنفیه و عبدالله بن جعفر طیار.

کلام آخر

مؤلف ناسخ التواریخ از کتاب فرحة الغری، تألیف سید عبدالکریم بن طاووس روایت کرده که امیر المؤمنین علیه السلام اراضی بین کوفه و نجف تا حیره را از دهقانان آن حدود به چهل هزار درهم خریداری کرد و گروهی را بر این معامله شاهد گرفت. بعضی از اصحاب گفتند: چنین زمینی که آب و گیاه ندارد، گران خریداری کرده‌اید. حضرت علیه السلام فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود:

کوفان، کوفان یحشر من ظهرها سبعون الف، یدخلون الجنة بغير حساب فاشتهت ان یحشروا فی ملکي؛ از سرزمین پشت کوفه، هفتاد هزار نفر بدون حساب وارد بهشت می‌شوند؛ خواستم آنان در ملک من محشور شوند.

پیشوای اول خود می‌دانست که سرانجام در این نقطه دفن خواهد شد و خود این جایگاه را دوست داشت.

سید بن طاووس، چنین آورده است که آن بزرگوار نگاهی به

سرزمین بیرون کوفه کرد و فرمود:

ما احسن ظهرک و اطیب قعرک اللهم اجعل قبری فیها؛^{۱۱} چقدر ظاهرت
زییاست و چقدر درونت خوشبوست. خدایا! قبر مرا در این سرزمین
قرار ده.

از دیدگاه پیروان عترت، قطعی است که مولا در جایگاه کنونی، در نجف به خاک
سپرده شد و سرانجام، این آرزوی امام، تحقق یافت.

پی نوشت:	
ص ۱۱۲.	۱. همان، ص ۱۳.
۵. مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۱۸۴.	۲. فضل الکوفه و مسجدها؛ ابن عساکر، التاریخ الکبیر، ج ۱، ص ۴۵.
۶. منتهی الآمال، ج ۱، ص ۱۸۳.	۳. غرّی یا غریین، زمینی پشت کوفه است که آرامگاه حضرت علی بن ابی طالب <small>علیه السلام</small> در آن جا قرار دارد و برخی گمان کرده اند که از بناهای پادشاهان حیره است (مسعودی، مروج الذهب، ج ۱، ص ۲۹۷، چاپ مصر).
۷. همان.	۴. جاذبه و دافعه، علی <small>علیه السلام</small> ، انتشارات صدرا، قم.
۸. همان.	
۹. منتهی الآمال، ج ۱، ص ۱۸۳.	
۱۰. همان، ص ۱۸۳.	
۱۱. فرحة الغری، ص ۶۱.	

